

# گزیده اشعار خاقانی

ویرایش جدید

انتخاب و شرح

دکتر عباس ماهیار

www.ketab.ir

هیأت مشاوران مجموعه ادب فارسی  
دکتر جعفر شعار - دکتر حسن انوری

سرشناسه:	میان، اس، ۱۳۶۸ - ۱۳۹۵، شارح
عنوان قراردادی:	شرح
عنوان و نام پدیدآور:	گزیده اشعار خاقانی / انتخاب و شرح: دکتر عباس ماهیار
مشخصات ناشر:	تهران: نشر قطره، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری:	۲۴۰ ص
فروست:	سلسله انتشارات - ۲۴ - ۵ - ب. فارسی - ۱
شابک:	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۹۵۸ - ۲۹ - ۷
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	ص.ع. لاتینی شده:
کتابنامه:	۲۳۱-۲۲۷ ص
موضوع:	خاقانی، بدیل بن علی، ۵۲۰ - ۵۹۵ ق، دیوان، نقد و تفسیر
موضوع:	شعر فارسی، قرن ۶ ق، تاریخ و نقد
شناسه افزوده:	خاقانی، بدیل بن علی، ۵۲۹ - ۵۹۵ ق، دیوان، شرح
رده‌بندی کنگره:	۱۳۷۳ گ ۴ م ۲ / PIR ۴۸۷۹
رده‌بندی دیویی:	۸۱ / ۲۳
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۳۲۷۵۹ - ۸۱ م

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۹۵۸ - ۲۹ - ۷ ISBN: 978-964-5958-29-7

روایت‌های عاشقانه



نشر گتراه

گردۀ اشعار خاقانی

انتخاب و شرح: دکتر عباس ماهیار

چاپ شانزدهم: زمستان ۱۳۹۶

چاپ: جیتال نقش

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

بها: ۱۸۰۰۰ تومان

---

استفاده از این اثر، به هر شکلی،

بدون اجازه ممنوع است.

---

خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخلر (ششم)، کوچهٔ بنفشه، پلاک ۸

تلفن: ۳-۵۱-۳۳ ۹۷ ۸۸

دورنگار: ۹۶ ۸۹ ۹۶ ۸۸

کد پستی: ۱۴۱۵۶۷۳۳۱۳

---

[www.nashreghatreh.com](http://www.nashreghatreh.com)

[info@nashreghatreh.com](mailto:info@nashreghatreh.com)

[nashr.ghatreh@yahoo.com](mailto:nashr.ghatreh@yahoo.com)

Printed in the Islamic Republic of Iran

## فهرست

۵	یادداشت مجموعه.....
۱۱	ستایشگر ره ساری، صبحگاهان.....
۲۳	دیدگاهها.....
۱۶۲-۳۹	قصاید.....
۴۱	خاقانی، ازین در کوه در بره سرت کن.....
۵۰	نیست اقلیم سخن را بر ترا من انسا.....
۵۶	فلک کز روتراست از خط برسا.....
۶۸	صبح برآمد ز کوه چون مه نخشید.....
۷۸	منم به وحی معانی پیمبر شعرا.....
۸۱	آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد.....
۸۷	دیر خبر یافتی که یار تو گم شد.....
۸۹	چه سبب سوی خراسان شدنم نگذارند.....
۹۳	رخسار صبح پرده بعمدا بر افکند.....
۹۸	عید است و پیش از صبحدم مژده به خمار آمده.....
۱۰۷	ناز نینان منا مرد چراغ دل من.....
۱۱۱	صبح وارم کافتابی در نهان آورده‌ام.....
۱۱۶	هر صبح سر به گلشن سودا بر آورم.....
۱۲۳	من اندر حصار رضا می‌گریزم.....
۱۲۶	انده گسار من شد و انده به من گذاشت.....
۱۲۸	جان فشانم عقل پاشم فیض رانم، دل دهم.....
۱۳۳	بس جوانم به دعا جان مرا دریابید.....

- درین منزل اهل وفایی نیابی ..... ۱۳۸
- به دست همت طغرای بی نیازی دار ..... ۱۴۲
- صبح از حمایل فلک آهیخت خنجرش ..... ۱۵۱
- غزلیات ..... ۱۶۳- ۱۷۷
- رخ تو رونق قمر بشکست ..... ۱۶۵
- ما را شکار کرد و بیفکند و بر نداشت ..... ۱۶۶
- صد یک حسن تو نوبهار ندارد ..... ۱۶۷
- ایتم به سجود آید چون پرده براندازد ..... ۱۶۸
- عشق بجز یار سرانداز نخواهند ..... ۱۶۹
- اما نفس شرح و سلامت نرسانید ..... ۱۷۰
- در سید جانان به دای تو اولی تر ..... ۱۷۱
- به هر مجلس به بشیوی تو ی در چشم من، زیرا ..... ۱۷۲
- ما حضرت عشق را ندانیم ..... ۱۷۳
- مرا تا جان بود جانان تو اشی ..... ۱۷۵
- کاشکی جز تو کسی داشتمی ..... ۱۷۶
- عمرم به کردن رفت و ندانم که مری ..... ۱۷۷
- رباعیا ..... ۱۷۹- ۱۸۰
- چند قصیده بدون شرح ..... ۱۸۱- ۱۹۳
- انصاف در جبلت عالم نیامده است ..... ۱۸۳
- رخسار روزگار پر از گرد کرده اند ..... ۱۸۴
- شبروان چون رخ صبح آینه سیما بینند ..... ۱۸۵
- صبح خیزان بین به صدر کعبه مهمان آمده ..... ۱۸۷
- از همه عالم کران خواهم گزید ..... ۱۹۰
- کار زمانه را سرو پای نیافتم ..... ۱۹۱
- بنمود صبح صادق دین محمدی ..... ۱۹۲
- جهان فرش تست آستینی برافشان ..... ۱۹۳
- فهرستها ..... ۱۹۵
- فهرست آیات قرآنی ..... ۱۹۷

۱۹۸.....	فهرست احادیث نبوی
۱۹۹.....	فهرست واژه‌ها و تعبيرات
۲۲۱.....	فهرست نام‌های خاص
۲۲۵.....	فهرست مکان‌ها
۲۲۷.....	کتابنامه

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد

## یادداشت «مجموعه»

ادبیات راه شکل و قالبی که باشد، نمایشگر زندگی و بیان کننده ارزشها و معیارها و ویژگیهایی است که زندگی فردی و جمعی بر محور آنها می‌چرخد، نقد و بررسی و ارزیابی آثار ادبی نیز چنین است و می‌تواند بدور از آن ارزشها و معیارها باشد و بی‌توجه از کنار آنها بگذرد، به عبارت دیگر نقد و بررسی آثار ادبی را از دیدگاهی می‌توان درس زندگی نامید با همه گستردگی و تنوع و خفیه‌های آن. مظاهر آن.

ادبیات، از دو گذرگاه ما را با زندگی بیوس می‌دهد: از گذرگاه عاطفی، وقتی که آن را می‌خوانیم؛ از گذرگاه خردورزی، و فکر کردن را در نقد و بررسی می‌کنیم؛ وقتی ما قطعه شعری را می‌خوانیم، عواطف و احساسات ما با عواطف و احساسات شاعر جنبه‌های مشترک پیدا می‌کند و با او همسویی روانی پیدا می‌کنیم، و یا وقتی سرگذشتی را در مطالعه می‌آوریم، به قول «آندره موروا» در کشاکش حادثه بزرگی قرار می‌گیریم و لحظات زندگیمان با آن حادثه آمیختگی پیدا می‌کند؛ در این موارد نفس و جان ما نمی‌تواند از سر با بری برکنار ماند. از جهت خردورزی نیز اگر به درستی به تحلیل و نقد آثار ادبی بنشینیم، جنبه‌های مثبت و منفی آنها را دریابیم زندگی را مطرح ساخته‌ایم؛ چه آثار ادبی نیست مگر انعکاس زندگی و برخورد نویسنده یا شاعر با معیارها و ارزشها. پس طبعاً بررسی معیارها، بی‌معناست و ورود در صحت و سقم آنها، راهی به کمال نخواهد داشت.

مطالعه و بررسی آثار باید با بررسی توأم جنبه‌های زبانی، هنری و محتوایی انجام گیرد. به این معنی که پس از حل دشواریهای واژه‌ای و تعبیرها و اصطلاحات متن، و اشاراتی که به تاریخ و قصص و اساطیر ممکن است وجود داشته باشد، باید به بررسی ارزش هنری و سپس به تجزیه و تحلیل محتوای آثار پردازیم: اندیشه‌های والا و ارزشمند را باز نماییم و پندارهای سخیف و کج اندیشیهای نابخردانه را نقد کنیم. عبارت و ابیات و تعبیرهای زیبا و استوار را با دلیل و حجت نشان دهیم و ابیات و جملات و عبارات نازیبا و ناستوار را باز

نماییم، و اگر اثر شکل داستانی دارد، آن را از جهت شناخت داستان بررسی کنیم. مثلاً در داستان رستم و سهراب اگر فقط واژه‌های دشوار را معنی کنیم و چند ویژگی زبان را که در سخن فردوسی هست بازگوییم که مثلاً برای یک متمم دو حرف اضافه آورده است، یا «کجا» را در معنی «که» به کار برده، داستان را به عنوان یک پدیدهٔ لسانی مطرح کرده‌ایم. برای آنکه داستان به عنوان یک اثر ادبی مطرح شود، پس از طرح و توضیح نکته‌های زبانی و ارزشهای هنری یا ارزشهای مربوط به فنون بلاغی، در مرحلهٔ سوم باید محتوای داستان را از جهت داستان‌شناسی، و در این مورد بخصوص از جهت تراژدی‌شناسی، گره خوردگی، اوج و فرود داستان، جنبه‌های روان‌شناختی قهرمانان و سرانجام ظریفی که داستان را به عنوان تراژدی بر بره رفی می‌کند، مطرح سازیم.

این گزیدهٔ گزیده‌هایی که مجموعهٔ «ادب فارسی» را تشکیل می‌دهند، با عنایت به چنین هدفهایی تهیه شده است. برای آنکه اندیشهٔ خوانندگان را برای وصول به هدفهای مذکور برانگیزیم در مقدمهٔ هر اثر، پس از شرح حالی اجمالی از صاحب اثر، به نقل یادداشتهایی از ناقدان و نویسندگان دربارهٔ عدم شاعری یا نویسندگی صاحب اثر و ارزش اثر و یادداشتهایی در نقد و محتواکاوای آن پرداخته‌ایم.

از آنجا که یکی از هدفهای نهایی این گزیده‌ها یاری به بهبود تدریس ادبیات در دانشگاه‌هاست، یادآوری این نکته برای دانشجویان شاید خالی از فایده نباشد که آنچه در ادبیات گذشته و سنتی ما بخصوص باید مورد توجه باشد، این است که این آثار، ادبیات جوانی نیست که از زندگی همسان با زندگی ما مایه گرفته باشد. بیش از هزار سال از عمر ادبیات سنتی ما می‌گذرد. این آثار از زندگی مردمی مایه گرفته شده‌اند. قرن‌هاست در غبار زمان محو شده‌اند، معیارها و ارزشهای اجتماعی و فرهنگی ما با آنان تفاوت می‌تواند یکسان باشد. از این رو باید انتظار داشته باشیم که در این آثار به مواردی برخورد کنیم که با معیارها و ارزشهای زندگی مردم امروز مغایرت داشته باشد. نقد و بررسی این موارد و توضیح اختلاف معیارها و بیان علل کج اندیشیها و افکار خرافه‌آمیز، که ممکن است در برخی از متن‌ها وجود داشته باشد، می‌تواند از موضوعات مطروحهٔ کلاس ادبیات باشد.

باید توجه داشت که اگر کج‌اندیشی و افکار خرافه‌آمیز به شاعران و نویسندگان قدیم نسبت می‌دهیم، به این معنی نیست که متون سنتی را تخطئه می‌کنیم، بلکه این امر نتیجهٔ اختلاف نوع زندگی و مناسبات اجتماعی است. آثار بزرگ ادبی همچون آینه‌ای است که زندگی اجتماعی زمان خود را با همهٔ پیچیدگی و گستردگی و ابهام در خود منعکس ساخته است، و از آنجا که در چنان زندگی با ویژگیهای خود، ضعف و قوت، همواری و ناهمواری،



وزشت و زیبا وجود داشته، به ناچار در چنین آینه‌ای نیز نمودار شده است: ماسعدی را شاعر و هنرمند بزرگی می‌دانیم، و این نه بدان سبب است که همه اندیشه‌های او عین صواب است، و یا نه بدان سبب است که به تعبیر امروز شاعر و نویسندگانی متعهد بوده، بلکه از آن روست که سعدی روح زمان خود را با همه زشتیها و کاستیها در آثار خود منعکس کرده است. آثار سعدی باید با شناخت این زشتیها و کاستیها و مناسبات و روابط اجتماعی زمان وی ارزیابی و تحلیل شود. همچنین اگر در آثار دوره‌ای خاص صفاتی چون بدبینی، عدم اعتماد به دیگران، بی‌اعتنایی به مصالح اجتماعی، میل نداشتن به شرکت در فعالیت‌های همگانی، انزواجویی، و نظایر آنها وجود دارد، ریشه آنها را باید در عوامل اجتماعی و سیاسی آن دوره و یا دوره‌های ماقبل نزدیک بدان بررسی کنیم و رابطه علی و قایع تاریخ و ویژگی‌های آثار ادبی را کشف نماییم و اندک اندک عادت کنیم تا «تاریخ» را با آثار ادبی مرتبط سازیم.

در میان بسیاری از آثار ادبی قدیم، حتی در شاهکارها، چه در ادبیات فارسی و چه در ادبیات زبانهای دیگر، تضاد و تقابل، استدلال تمثیلی، خرافه‌های دور از عقل و منطق، تجلیل از زورمندان و ستمگران، و نادیده انگاشتن توده‌های محروم و اندیشه‌های نابخردانه به چشم می‌خورد. این آثار باید به درستی مورد تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی قرار گیرد، نه تنها اندیشه‌های نابخردانه و پنداره‌های نادرست، بلکه علل به وجود آمدن آنها از دید جامعه‌شناسی نیز مطرح گردد.

همچنین در تحلیل نمونه‌های والا و ارزشمند ادبی که ارزشهای جهانی و جاودانی برخوردارند - و خوشبختانه در میان آثار ادبی ما، از این نوع کم نیست - باید خصیصه‌ها و ظرایف و لطایف و شیوه بیان و ارزش هنری اثر را باز کنیم و بویم و اندیشه نهفته را در آنها کشف کنیم، سببلها را بشکافیم، و به هر حال در نظر داشته باشیم که همواره توضیحات و اژه‌ای و بیان مفردات و ترکیبات و نکته‌های دستوری و کشف تدوین‌ها هر آنچه به معانی و بیان و بدیع مربوط می‌شود، وسیله‌ای است برای فهم متن و رسیدن به آنجا. در زیر الفاظ قرار دارد و دریافت روح و عمق متن، و فراموش نکنیم که هدف غایی ادبیات تعالی انسان و وصول به ادب نفس است. آثاری که پیام آنها در جهت پروردن انسان متعالی خواننده «حق» و جوینده «حقیقت» نباشد، سزاوار صفت «والا» و «پراج» نمی‌توانند باشند.



کتاب حاضر در مجموعه‌ای چاپ می‌شود که اندیشه تدوین آن از سالها پیش در جمع گروهی از استادان دانشگاهها و ادب‌شناسان مطرح، و طرح آغازین آن در سال ۱۳۵۶ شمسی تهیه شده بود. هدف از تدوین این مجموعه علاوه بر آنچه گفته شد، این است که بهترین

بخشهای هر اثر ادبی را در کتابهای نسبتاً کم حجمی، همراه با شرح و تحلیل، در دسترس دانشجویان و دیگر طالبان آن آثار قرار دهد، و شرح طوری تهیه شود که خوانندگان فارسی زبان را که در حدود تحصیلات دبیرستانی دانش و بینش دارند، در فهم آثار از معلّم و استاد بی نیاز سازد.

با امعان نظر به این نکته است که در گزیده حاضر نه تنها معنی واژه‌ها و اصطلاحات و تعبیرهای دشوار و مهجور را جابه‌جا نوشته‌ایم، بلکه عبارات دشوار را نیز معنی کرده و نکته‌های دستوری را هم، تا آنجا که به فهم مطلب یاری می‌رساند، توضیح داده‌ایم. البته این بدار معنائست که همه دشواریها را حل کرده و تمام گره‌ها را گشوده‌ایم، نه؛ در جاهایی که بر «حقیقت امر و قوف نیافته‌ایم، حدس خود را با تردید آورده، با طرح معضل، زمینه جستجوهای تازه را برای دانشجویان و پژوهندگان آماده کرده‌ایم، تا شاید با دستیابی به مآخذ جدید یا به هوشیاری و اعمال حدّت ذهن راه به جایی برند.

قصد بر این است که رباره هر اثر، از همه پژوهشها و نوشته‌هایی که تا زمان تدوین اثر، امکان دستیابی بدانها مستقیم و غیرمستقیم جویی گردد. چنانکه در گزیده حاضر این کار را کرده‌ایم و نیز هدف از این که همه واژه‌های دشوار و نیمه دشوار و مفهوم‌بیت‌های دشوار و مبهم و نامرنا نوشته‌ایم، این است که در سلسله‌ای دانشگاه، دانشجویان، خود، دشواریهای لفظی و لغوی و مفهوم تک‌تک بیتها را دریابند. با مجال و میدان برای استاد باز باشد؛ و او بتواند به تحلیل محتوایی بپردازد، و مسلماً آنچه را آغاز کتاب ذیل عنوان دیدگاهها آورده‌ایم، او را در این زمینه یاریگر خواهد بود، یا لاقلاً زمینه بحث‌های انتقادی را آماده خواهد کرد. برای سهولت مطالعه و احیاناً سهولت استفاده در کلاسهای درس، هر گزیده را به بخشهایی تقسیم می‌کنیم. در آنجا که نوع ادبی گزیده، عزا یا تمثیل است، هر غزل یا قصیده را طبعاً یک بخش قرار داده‌ایم. در انواع دیگر از نظم و نثر تقسیم‌بندیها بر مبنای روند محتوا انجام می‌گیرد.

وقتی که سالها پیش، طرح تهیه و چاپ مجموعه‌ای از گزیده‌های ادبی فارسی را در اندیشه می‌پروردیم، هرگز گمان نداشتیم که آن طرح، روزی که جامه عدل می‌پوشد، تا این حدّ، در پیشگاه اهل ادب و استادان و دانشجویان دانشگاهها در منصفه قبول و پسند نشیند. کودک نوپای آن روزی که با «غمنامه رستم و سهراب» به راه افتاد، اینک بالغ بر بیست مجلد شده است. ما از این خدمت ناچیزی که انجام داده‌ایم هم مسروریم و هم سپاسدار همه کسانی هستیم که ما را در تهیه این مجموعه یاری کرده‌اند و یا در دانشگاهها و مراکز آموزشی به معرفی و تدریس آنها پرداخته و یا به وسیله نامه یا در مطبوعات، با تشویق و قدردانی ما را

مشمول مراسم خود ساخته‌اند و یا کاستیهای ما را یادآور شده‌اند. نیز بایسته می‌دانیم در اینجا نامی ببریم از همکار دانشمندی که چندی ما را در مشاوره و همفکری یاری داد: قرار چنان بود که دکتر یدالله شکری استاد دانشگاه علامه طباطبائی، مادو تن را در راه درازی که در پیش چشم داشتیم همراه باشد. دریغاکه مرگ، طومار زندگی او را به ناهنگام در نوردید و ما را از اندیشه‌ای جوان و پویا محروم ساخت. نام و یادش گرامی باد.

جعفر شعار - حسن انوری